

عدالت یعنی حقوق بشر

گفت‌وگو با: موسی غنی‌نژاد

مردم‌سالاری، ش ۱۸۰۹، ۸۷/۳/۶

چکیده: آقای غنی‌نژاد معتقدند که در اندیشه مدرن برای انسان چند حق طبیعی تعریف شده است که از آن به عنوان حقوق بشر یاد می‌شود. حق حیات، حق مالکیت و حق آزادی در انتخاب شیوه زندگی، مبنای تئوری‌های عدالت را تشکیل می‌دهند. عدالت ناظر بر حفظ و صیانت از این حقوق فردی است و در این میان عدالت اجتماعی گویای توزیع عادلانه امکانات و ثروت میان افرادی است که دارای حقوق برابرند، اما واضح است که تقسیم مساوی میان افراد راه حل نیست؛ زیرا شایستگی، توانایی، تلاش، نیاز و ذائقه هر فرد با فرد دیگر متفاوت است و شناسایی چنین اموری نیز در جوامع امروزی با توجه به گستردگی آن امکان‌پذیر نیست. از این رو سیاست توزیع ثروت نمی‌تواند معضل عدالت را رفع نماید؛ افزون بر این که این امر بر فراگرد تولید اثر کاهنده گذاشته و کارایی اقتصادی را به شدت کاهش می‌دهد. لذا برای ایجاد عدالت باید اقتصاد را آزاد کنیم.

مفهوم عدالت همیشه از مفاهیم محوری اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده و هست. بخش مهمی از فلسفه سیاسی از یونان باستان گرفته تا اندیشه سیاسی مدرن، به موضوع عدالت توجه و تأکید دارد. افلاطون و ارسطو کوشیدند مفهوم عدالت را همانند دیگر مفاهیم بنیادی مربوط به سیاست و جامعه در چارچوب تفکر استدلالی مطرح کنند. عدالت از دیدگاه آنها عبارت است از قرار گرفتن موجودات در مرتبت و منزلت طبیعی‌شان. یونانیان در بسیاری موارد صفات عادلانه و طبیعی را به جای هم بکار می‌بردند و زمانی که از حق طبیعی سخن می‌گویند، منظورشان حق ناشی از منزلت طبیعی موجودات

بازتاب اندیشه ۹۹

۲۸
عدالت یعنی
حقوق بشر

است. در واقع آفرینش موجودات از جمله انسان، براساس سلسله مراتبی در طبیعت صورت گرفته که بیانگر وضعیت طبیعی، مطلوب و عادلانه است. عدالت در واقع چیزی جز بازگرداندن موجودات به منزلت طبیعی‌شان نیست.

○ این نوع تعریف از عدالت با تعاریف دیگر فرق دارد؟

● دستاوردهای بزرگ فیلسوفان یونانی، گشودن باب مباحثه استدلالی و عقلانی درباره عدالت است. آنها مفهوم عدالت را از چارچوب تنگ دستورات و موعظه‌های اخلاقی صرف بیرون آوردند و درباره آن مانند تفکرات دیگر و موضوعات مهم فلسفه سیاسی به تفکر عقلانی پرداختند.

○ از نظر آنها عدالت چه زمانی برقرار می‌شود؟

● از دیدگاه ارسطو، عدالت توزیعی زمانی برقرار می‌شود که سهم هر کدام از اعضای جامعه بر حسب منزلت و شایستگی‌هایش معین شود و عدالت تعویضی به این معناست که هر مبادله باید در عین حال یک معادله هم باشد، یعنی آنچه داده می‌شود با آنچه ستانده می‌شود باید برابر باشد. با شکل‌گیری اندیشه‌های جدید بسیاری از تفکرات ارسطویی از جمله دیدگاه وی درباره عدالت مورد نقادی قرار گرفت. بیش از هزار سال بحث درباره قیمت عادلانه بر مبنای اصل ارسطویی تساوی در مبادله، در عمل به بن‌بست رسید و گروهی از متالهین مسیحی به این نتیجه رسیده‌اند که تعریف مشخصی از قیمت عادلانه وجود ندارد و تعیین چنین چیزی از سوی مقامات دولتی غیرممکن است. آنها تعریف جدیدی ارائه دادند و قیمت را عادلانه دانستند که در شکل‌گیری آن در بازار، «قواعد بازی» رعایت شده باشد. یعنی برخلاف عرف، اعمال نفوذی در تعیین قیمت صورت نگرفته باشد. این دیدگاه در عدالت توزیعی هم به وجود آمد، یعنی عدالت به جای آن که معطوف به تعیین سهم هر کدام از اعضای جامعه باشد، بیشتر ناظر بر چگونگی انجام «بازی» و قواعد حاکم بر آن تصور می‌شود.

○ آیا تعاریف کنونی از عدالت و جامعه عدالت محور با آن نظریه‌های ارسطویی متفاوت است؟

● در اندیشه مدرن برای انسان چند حق طبیعی تعریف شده است که از آن به عنوان حقوق بشر یاد می‌شود. حق حیات، حق مالکیت و حق آزادی در انتخاب شیوه زندگی، مبنای اولیه تئوری‌های عدالت را تشکیل می‌دهند. عدالت ناظر بر حفظ و صیانت از این حقوق فردی است. از دیدگاه جدید، استبداد، تحمیل اراده و عقیده و به طور کلی نفی آزادی و اختیار

فردی، بارزترین مصداق بیدادگری است و تنها راه رفع این بیدادگری و استقرار عدالت، این است که همه اراده‌های فردی، صرف نظر از مقام و منزلتشان، تابع قواعد کلی و قوانینی باشند که شمول عام دارند و همه در مقابل آن برابرند.

○ آیا تقسیم همه چیز به طور مساوی میان همه افراد جامعه، عدالت است؟ آیا مفهوم توزیع عادلانه این است؟

● عدالت اجتماعی، گویای توزیع عادلانه امکانات و ثروت میان افرادی است که دارای حقوق برابرند، اما واضح است که تقسیم مساوی میان افراد، راه حل نیست؛ زیرا شایستگی، توانایی، تلاش، نیاز و ذائقه هر فرد با فرد دیگر متفاوت است. در چنین شرایطی، توزیع عادلانه مستلزم شناسایی ویژگی‌ها و خصصت‌های فرد فرد جامعه است تا توزیع بر مبنای آنها صورت بگیرد. اما جمع‌آوری اطلاعاتی از این نوع در جوامع گسترده کنونی ناممکن است. حتی اگر این هم ممکن باشد، گره ناگشودنی معیار عدالت مورد قبول همگان، همچنان پابرجاست. توزیع عادلانه تعریف واحدی ندارد و هر کس بر مبنای شیوه تفکر خود و نظام ارزشی خود تعریفی در این زمینه ارائه داده است.

عدالت اجتماعی، مفهومی به غایت ذهنی و سیال است. به عنوان مثال اغلب گفته می‌شود که عدالت اجتماعی مستلزم کاستن از شکاف درآمدی و ثروت میان گروه‌های اجتماعی است، اما هیچ کس معلوم نمی‌کند که حد مطلوب این کاهش چه میزان است؟ نکته مهم دیگر این که مکانیسم‌های توزیع درآمد و ثروت، مستقل از نظام تولید ثروت نیست و در اغلب موارد، سیاست‌های توزیع مجدد روی فراگرد تولید ثروت اثر کاهنده می‌گذارد. بدین ترتیب هدف نهایی توزیع عادلانه، یعنی بهبود وضعیت کم درآمدها، به علت پایین آمدن سطح تولید ثروت، نقض می‌شود. نگاهی به تجربه دولت‌های رفاه در نیمه قرن بیستم، معلوم می‌کند که دخالت‌های گسترده دولت در جهت توزیع مجدد درآمد و ثروت، کارایی اقتصادی را به شدت کاهش می‌دهد. سیاست‌های مالیات‌ستانی از ثروتمندان و توزیع آن میان کم‌درآمدها هم در عمل موجب لطمه خوردن به انگیزه‌های تولید و تلاش شد. سیاست‌های انبساطی پولی هم در حقیقت به عنوان نوعی اهرم تشویق تقاضا، تورم را در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به همراه داشت در سال ۱۹۸۱ بیش از ۶۰۰ میلیون نفر در چین (۶۴ درصد جمعیت) در فقر مطلق به سر می‌بردند و این نشان می‌دهد که سه دهه سیاست‌های اقتصادی توزیع محور توانست با فقر مقابله کند. پس از آن دولت چین تشویق تجارت آزاد

بازتاب اندیشه ۹۹
عدالت یعنی
حقوق بشر

و تولید و سرمایه‌گذاری خارجی را پیش گرفت که در نتیجه آن، تولید ناخالص سرانه در دو دهه بیش از پنج برابر رشد کرد و جمعیت دارای فقر مطلق به ۲۰۰ میلیون نفر کاهش یافت. نتیجه این که اگر بهبود شرایط زندگی اقشار کم درآمد جامعه و مبارزه با فقر را یکی از آرمان‌های بزرگ عدالت در زمینه اقتصادی بدانیم، یقیناً این آرمان‌ها در نظام‌های مبتنی بر اقتصاد آزاد بیشتر قابل دسترسی است تا در اقتصادهای دولت محور و توزیع‌گرا.

○ حال که بحث عدالت اقتصادی مطرح شده است، بد نیست کمی هم به عملکرد اقتصادی دولت نهم و این که روش‌های آن تا چه حد به عدالت نزدیک است، پردازیم.

● دولت نهم بیشترین شعارش ایجاد عدالت اقتصادی است و همیشه معتقد بوده که در گذشته به این موضوع کم توجهی شده است. یادم هست که آقای احمدی‌نژاد در صحبت‌های انتخاباتی خود تأکید داشتند که وقتی قیمت نفت پایین است و زمانی که قیمت آن بالامی‌رود، وضع اقتصادی مردم یکسان می‌ماند و به این وضع انتقاد داشتند. در حال حاضر بعد از دو و نیم سال که از عمر دولت نهم گذشته می‌بینیم که قیمت نفت خیلی بالا رفته و درآمد نفتی ۷۰ میلیارد دلاری در تاریخ ایران بی سابقه است، اما آیا مردم واقعاً احساس می‌کنند که وضعیتشان نسبت به قبل بهتر شده است؟ من تردید دارم. چون تورم به شدت صعود کرده و قدرت خرید مردم کاهش یافته و وضع اشتغال هم بهبودی نیافته است. حتی توزیع درآمدها هم بهتر نشده است. یعنی این که در این ۲/۵ سال دولت نتوانسته از افزایش درآمد نفتی در جهت توزیع بهتر درآمدها و اصلاح نظام اقتصادی استفاده کند. این نشان‌دهنده ضعف مدیریتی دولت است که به رغم شعارهایش نتوانسته در بهبود وضعیت اقتصادی کاری صورت بدهد. البته وقتی دولت از همان ابتدا به بهانه عدالت، نقدینگی زیادی وارد جامعه کرد، معلوم بود که چنین تورمی پیش می‌آید. امروز می‌بینیم که سیاست‌های اقتصادی دولت بدون در نظر گرفتن علم و تجربیات کشورهای دیگر، نتیجه نداده است. البته من فقط دولت را در این موضوع مقصر نمی‌دانم. قبل از دولت، مجلس هفتم با سیاست تزریق پول، دولتی کردن اقتصاد از طریق دخالت بیشتر دولت در مکانیسم بازار و قیمت‌گذاری کالا و تعیین نرخ بهره، در این وضعیت مقصر است.

○ یکی از تأکیدهای مهم دولت، خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی و واگذاری امور اقتصادی به مردم است. به نظر می‌آید شاخص‌ترین عملکرد دولت در این حوزه، توزیع سهام عدالت است. آیا به نظر شما این کار واقعاً خصوصی‌سازی است و قشر کم درآمد جامعه را ثروتمند می‌کند؟

● به نظر من سیاست‌های کلی اصلی ۴۴ قانون اساسی در جهت غیر دولتی کردن اقتصاد است و اجرای آن ضرورتی تاریخی بود که خیلی هم دیر ابلاغ شد و البته نقطه عطفی در جهت قانون‌گذاری اقتصادی بعد از انقلاب است. ابلاغ این سیاست‌ها با روی کار آمدن دولت نهم و بعد هم واگذاری سهام عدالت همراه شد. ولی مکانیسم‌های واگذاری سهام عدالت از ابتدا مشخص نبود و به نظر من این واگذاری‌ها هم از نظر اجرای، هم از نظر قانونی و هم از نظر اقتصادی اشکال دارد. در روش کنونی، دولت سهام را به یک شرکت کارگزاری می‌دهد. الان معلوم نیست که سهام عدالت در دست مردم مربوط به کدام شرکت است. این سهام تعاونی است و در تعاونی هم سبیدی از سهام شرکت‌های مختلف وجود دارد. البته سبب سهام در شرکت‌های سرمایه‌گذاری مرسوم است، اما مساله این جاست که هدف از خصوصی‌سازی، رقابتی کردن اقتصاد و بالا بردن بهره‌وری آن است. اما سهام عدالت با این وضعیت تأثیری روی بنگاه‌های اقتصادی ندارد. یعنی سهام‌داران نمی‌توانند روی تعیین مدیریت و غیردولتی کردن مجریان آنها تأثیر بگذارند. چون با مکانیسم تعریف شده، در نهایت ۲۰ درصد سهام شرکت‌ها در دست دولت باقی می‌ماند و همان ۲۰ درصد تعیین‌کننده مدیریت‌های شرکت است که با این شکل، مشکل دولتی ماندن شرکت‌ها ادامه می‌یابد. وقتی سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های دولتی بیش از دو برابر افزایش پیدا می‌کند، معنایش دور شدن از سیاست‌های اصل ۴۴ است به نظر من اجرای عدالت در گروه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است و معتقدم سیاست‌های اقتصادی دولت کنونی برابر است با دور شدن از عدالت. لذا اولین قدم در راه اجرای عدالت، ایجاد رونق اقتصادی است که در پی آن شغل ایجاد می‌شود، فقر از بین می‌رود و سطح اقتصادی مردم بالا می‌رود. بنابراین هر سیاستی که مانع رونق اقتصادی باشد، ضد عدالت است. همه این سیاست‌های عدالت‌مدارانه، مداخله در بازار و نرخ‌های بهره‌تحمیلی، مغایر عدالت اقتصادی است. اگر ما می‌خواهیم در مسیر عدالت حرکت کنیم، باید اقتصاد را آزاد کنیم و سرمایه‌گذاری را تشویق کنیم تا شغل ایجاد شود و فقر از بین برود.

● اشاره

بازتاب اندیشه ۹۹

۳۲
عدالت یعنی
حقوق بشر

محسن علیزاده

در این گفت‌وگو آقای موسی غنی‌نژاد به بررسی مفهوم عدالت که از دیرباز تاکنون یکی از دغدغه‌های مهم بشر بوده اشاره کرده، ولی در تحلیل‌های خود از این مفهوم و تطبیق آن با مسائلی روز اشاراتی به نظر می‌رسد که به شرح ذیل بیان می‌گردد:

۱. تعریفی که از عدالت در این مقاله از منظر افلاطون و ارسطو بیان شده به تعریفی که در شریعت اسلام وجود دارد نزدیک به هم است. در اسلام عدالت به معنای اعطاء کل ذی حق حقه یا به تعبیر دیگر قرار دادن هر چیزی در موضع آن آمده که با قرار گرفتن موجودات در مرتبت و منزلت طبیعتشان همخوانی دارد. اما مسأله مهمی که در این مقاله به آن در زمینه عدالت لازم بود اشاره می‌شد این است که منزلت و مرتبه هر موجودی یا حق و موضع شایسته هر موجودی را چه کسی می‌تواند تعیین نماید؟ از نظر ادیان الهی این کار از عهده بشر خارج است، افزون بر این که معیار ارجحیت انسان‌ها چیزی نیست که صرفاً بتوان با معیارهای مادی بدان رسید.

۲. این که «از دیدگاه ارسطو عدالت توزیعی زمانی برقرار می‌شود که سهم هر کدام از اعضای جامعه بر حسب منزلت و شایستگی‌هایش معین شود» یک بحث فلسفی است که نیاز به کالبدشکافی و تحلیل دقیق دارد و به اختصار شاید بتوان گفت که چنین امری به یک معنا در منطق اسلام هم وجود دارد؛ زیرا سهم و اختیارات حضرات معصومین علیهم‌السلام و در عصر غیبت نائبان عام آنان نسبت به جامعه به لحاظ منزلت و شایستگی‌های آنان بیشتر است اما نه جهت این‌که به استفاده شخصی خود برسازند، بلکه بدین خاطر که آن را در اداره بهتر جامعه و توسعه آن بکار گیرند. لذا یکی از بارزترین اوصاف نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را خفیف‌المؤونه و کثیرالمعونه بودن ایشان بیان داشته‌اند، یعنی بسیار کم‌خرج بودند؛ در حالی که بیشترین نفع و استفاده را برای جامعه خود داشتند. در واقع برای قدردانی و ارزش گذاشتن به مقام و شأن اشخاص صاحب منزلت در هر جامعه‌ای باید زمینه‌های بهره‌برداری از توان و استعداد آنها را فراهم آورد نه صرف این که سهم مالی فزون‌تری نسبت به سایرین به آنان اختصاص داده شود.

۳. این سخن که «عدالت اجتماعی مفهومی به غایت ذهنی و سیال است» و این بیان که «تعریفی که یک ملت ثروتمند از عدالت دارند با یک ملت فقیر متفاوت است» حکایت از پذیرش نسبی‌گرایی دارد، در حالی که نه تنها نسبییت در چنین مفاهیم اساسی پذیرفتنی نیست؛ بلکه تعدد قرائت از آن منجر به این خواهد شد که دیگر مفاهیم مرتبط با آن یعنی حقوق بشر، نیز نارسا و ناکارآمد جلوه دهد؛ علاوه بر این باید این مطلب را یادآوری کرد که در جوامع به اصطلاح ثروتمندی همچون آمریکا همان‌طوری که غنی‌ترین مردم وجود دارند فقیرترین مردم هم وجود دارند و باید اذعان داشت که در چنین کشورهایی عدالت یکی از غریب‌ترین مفاهیمی است که وجود دارد. علاوه بر این حتی بسیاری از شقوق آزادی مانند عدم تجاوز به حریم خصوصی افراد یا حق داشتن محاکمه عادلانه آشکار نقض می‌شود. بنابراین ضروری است که تعریفی منسجم و ثابت از عدالت و حقوق بشر داشته باشیم که با واقعیت تکوینی بشر نیز منطبق باشد که ناگزیر رجوع و بکارگیری منابع فرابشری و وحیانی لازم می‌گردد.

۴. این بیان که «عدالت اجتماعی گویای توزیع عادلانه امکانات و ثروت میان افرادی است که دارای حقوق برابرند اما واضح است که تقسیم مساوی میان افراد راه حل نیست، زیرا شایستگی‌ها، توانایی، تلاش، نیاز و ذائقه افراد متفاوت است» از این حیث قابل اشاره است که از یک سو، نوع بشر دارای حقوق مساوی و یکسان است و از سوی دیگر اگر امکانات یکسانی حتی الامکان برای همگان فراهم نشود، شایستگی‌ها و توانایی‌های افراد چگونه به منصفه ظهور خواهد رسید، شاید به همین خاطر بوده است که در زمان صدر اسلام و عصر نبوی سهم افراد از بیت‌المال یکسان می‌بود و یکی از علل اختلاف برخی از مجاهدین با حضرت علی علیه السلام بر سر همین مسأله بود. علاوه بر این در سیاست‌های اقتصادی اسلام یکی از مهم‌ترین راهکارهای انسجام‌دهی به جامعه رفع فقر و کاهش فاصله طبقاتی است و به همین خاطر مسائلی مانند پرداخت زکات و خمس وجود دارد تا از انباشت ثروت نزد عده‌ای خاص جلوگیری شود که این کار حتی در زمینه کاهش جرائم و رفع بسیاری از معضلات اجتماعی بسیار مؤثر است؛ لذا جای بسی تعجب است که کاهش شکاف درآمدی و ثروت میان گروه‌های اجتماعی یک تعریف خاص ایران از عدالت تلقی شده است. البته این امر تقابلی با توجه به افراد تولیدگر و کارآفرین ندارد.

۵. این مطلب که در «اندیشه مدرن عدالت ناظر بر حفظ و صیانت از حقوق فردی مثل حق حیات، مالکیت و آزادی در انتخاب شیوه زندگی است و استبداد، تحمیل اراده و عقیده و به طور کلی نفی آزادی و اختیار فردی بارزترین بیدادگری است که تنها راه رفع آن این است که همه اراده‌های فردی تابع قواعدی که شمول عام داشته و همه در مقابل آن برابرند باشند» از این جهت قابل بررسی و نقد است که تبیین قواعدی که شمول عام دارند بر عهده چه کسی است؟ و آیا در اندیشه به اصطلاح مدرن میزان و معیار ثابتی برای این قواعد مطرح شده است؟ حقیقت این است که بشر تاکنون نتوانسته به قواعدی دست یابد که همگان بر آن اتفاق نظر داشته باشند. علاوه بر این وقتی ما قائل به این باشیم که مفاهیمی مانند عدالت، مفاهیمی سیال هستند چگونه می‌توان به قواعدی این‌چنینی دست یابیم.

۶. در این گفت‌وگو توزیع سهام عدالت که نه تنها مالیات‌ستانی از قشر ثروتمند است و نه مغایر با عدالت، معادل مداخله در بازار و از بین بردن تولید ابراز شده؛ در حالی که حتی در کشورهای با اقتصاد آزاد و عضو سازمان تجارت جهانی این‌طور نیست که سیاست‌های حمایتی خود را اقشار ضعیف مردم برداشته باشند، بلکه آنها هم از طرق مختلف به کنترل رشد فقر در جامعه خود می‌پردازند؛ زیرا همه اقشار جامعه توانایی تولید ثروت به میزان مایحتاج خود را ندارند و اگر چنین نباشد با بحران‌های حاد اجتماعی روبه‌رو می‌شوند، که در برخی موارد خسارت و لطمات زیادی برای کل جامعه دارد. از همین‌روست که برخی از دولت‌هایی که کمتر به رفع فقر و کاهش فاصله طبقاتی توجه نموده‌اند امروزه گرفتار پیامدهای سوء آن هستند.

۷. در خصوص این که «سهام عدالت با وضعیتی که دارد تأثیری بر روی بنگاه‌های اقتصادی ندارد و هدف از خصوصی‌سازی که رقابتی کردن اقتصاد و بالا بردن بهره‌وری آن است حاصل نمی‌شود» باید اظهار داشت که از خصوصی‌سازی اهداف متعددی دنبال می‌شده که یکی از آنها رقابتی کردن اقتصاد بوده است. همین‌طور بالا بردن بهره‌وری در اقتصاد به فاکتورهای متعددی منوط است که یک مورد آن ایجاد رقابت است، زیرا فاکتورها و موانع متعددی در این باره است؛ مثل مسأله انحصارگرایی، رانت، مافیای و... که نه تنها مانع بهره‌وری شده بلکه سایر راهکارهای تقویت اقتصاد را تحت‌الشعاع خود قرار داده و مختل می‌نمایند. لذا لازم است تا همه جانبه به مسأله رشد و توسعه اقتصادی نگاه کرد. این سخن که «چون این سهام بر بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار نیست پس با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ همخوانی ندارد» صحیح نیست، چون در هر حال سیاست کلی اصل ۴۴ خصوصی‌سازی است و با توزیع این سهام، مالکیت آن به بخش خصوصی واگذار شده است هر چند که ممکن است مدت زمانی به طول بیانجامد تا این سهام‌ها مستقیماً و بدون مدیریت دولت وارد بورس شود.

۸. این مسأله که «آرمان بزرگ عدالت در نظام‌های مبتنی بر اقتصاد آزاد بیشتر قابل دسترسی است تا در اقتصادهای دولت‌محور و توزیع‌گرا» هیچ‌گاه عدالت در پرتو حمایت کامل از سرمایه‌داران که فقط به دنبال تحصیل سود و ثروت بیشتر هستند به دست نمی‌آید، بلکه لازم است تا با سیاست‌هایی در عین حمایت از سرمایه‌گذاران توازن اقتصادی میان اقشار جامعه ایجاد و از آسیب‌های سرمایه‌داری جلوگیری نمود.

سخن آخر این که تنها راه‌هایی از فقر و رسیدن به عدالت را آزاد شدن اقتصاد و تشویق به سرمایه‌گذاری دانستن و کمرنگ جلوه دادن سیاست‌های نظارتی دولت مطلوب نیست. بلکه برای ایجاد اقتصاد آزاد در ایران لازم است مرحله به مرحله پیش‌رفته تا به استقلال اقتصادی مقبولی با زیرساخت‌های محکم برسیم. البته یک مطلب را باید پذیرفت و آن این که حکومت باید ضمن انجام سیاست‌هایی مانند توزیع سهام‌های عدالت، به گونه‌ای عمل کند که انگیزه تولید و بهره‌وری اقتصادی در جامعه هم تقویت شود و به گونه‌ای نشود که روحیه مصرف‌گرایی و انجام کارهای غیرمولد ترویج و توقعات کاذب در مردم ایجاد شود. لذا لازم است تا برنامه‌های توزیع ثروت هدفمند و در جهت منافع ملی پیش روند.